



سیاست خارجی / چند روز پس از پایان تجاوز نظامی اسرائیل علیه ایران مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری در قاپ دوربین تاکر کارلسون، خبرنگار پیشین فاکس نیوز و صدای غیررسمی جناح ترامپ به عنوان یکی از جنجالی‌ترین چهره‌های رسانه‌ای آمریکا ظاهر شد. این گفت‌وگو نه صرفاً مصاحبه‌ای رسانه‌ای که بازتابی از راهبرد تازه تهران در میدان دیپلماسی عمومی بود؛ تلاشی حساب‌شده برای سخن گفتن مستقیم با مردم آمریکا. پزشکیان با اشاره به این واقعیت که اسرائیل «بر میز دیپلماسی بمب انداخت» هشدار داد که بدون اعتمادسازی، نشستن مجدد بر سر میز مذاکره معنایی ندارد. او با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی آغازگر جنگ نبوده و خواهان صلح است، توپ را به زمین واشنگتن انداخت و گفت: «اگر آمریکا واقعاً خواهان ثبات است، باید اول جلوی آتش‌افروزی تل‌آویو را بگیرد.» پیام او صریح بود: پایان دادن به جنگ، در گرو تصمیم رئیس‌جمهوری آمریکاست؛ نه از طریق تهدید بلکه با مهار سیاست‌های ننانیاھو. گزارش پیش رو با مرور این گفت‌وگو و واکای نظرات شماری از کارشناسان سیاست خارجی، به بررسی ابعاد و اهمیت طرح این مواضع در صحنه دیپلماسی می‌پردازد؛ از چشم‌انداز بازسازی اعتماد، تا اهمیت دیپلماسی رسانه‌ای در انعکاس تصویر ایرانی که همچنان مقاوم ایستاده است.

موازنه‌سازی در فضای رسانه‌ای غرب

گفت‌وگوی جدید رئیس‌جمهوری با رسانه آمریکایی را باید تلاشی دیر هنگام اما ارزشمند در حوزه دیپلماسی عمومی ایران دانست. گفت‌وگویی که اگر پیش از آغاز جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل انجام می‌شد، می‌توانست تأثیرگذاری بیشتری در تعدیل فضای روانی و تبلیغاتی علیه ایران در جامعه آمریکا داشته باشد؛ یا این حال، انجام آن در وضعیت کنونی نیز حاوی پیام‌های مهمی برای مخاطبان داخلی و خارجی است.

یکی از اشکالات دیرپای سیاست رسانه‌ای جمهوری اسلامی، ضعف در برقراری ارتباط مستقیم با افکار عمومی ایالات متحده بوده است؛ جامعه‌ای که عمدتاً تصویر خود از ایران را از فیلتر رسانه‌های غربی آن‌هم به صورت گزینشی یا تحریف شده دریافت می‌کند. از این منظر، حضور پزشکیان در رسانه‌ای که پایگاه اجتماعی مهمی در میان طرفداران ترامپ دارد، فرصتی برای اصلاح این روایت و رساندن پیام ایران به بخشی از جامعه آمریکاست که احتمالاً در آینده سیاسی آن کشور نیز نقش آفرینی خواهند کرد. پزشکیان در این گفت‌وگو با اشاره به اختلاف میان جریان افراطی در اسرائیل و بدنه نهادهای رسمی آن، تلاش کرد مسئولیت جنگ‌افروزی را متوجه شخص ننانیاھو و همراهان تندرو او کند و همزمان به دولت آمریکا هشدار داد که گرفتار پروژه‌های تحمیلی آنان نشود. او تأکید کرد که جنگ و بی‌ثباتی در منطقه محصول تصمیمات یک‌جانبه و ماجراجویانه تل‌آویو است.

رئیس‌جمهوری همچنین با تأکید بر اینکه آمریکا می‌تواند و باید با مهار

یادداشت



کوروش احمدی
دیپلمات
اسبق ایران

جریان افراطی در اسرائیل از گسترش جنگ جلوگیری کند، توپ را به زمین کاخ سفید انداخت؛ پیامی که هم برای دولت آمریکا و هم برای طیف ترامپیست قابل درک و تفسیر است. از این منظر، سخنان رئیس‌جمهوری ایران حاوی دعوتی ضمنی به بازنگری در سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده و پرهیز از افتادن در دام ائتلاف‌های افراطی و بی‌ثبات‌کننده بود. این رویکرد از آن جهت حائز اهمیت است که از یک سو امکان شفاف‌افکنی در اجماع‌های ضدایرانی موجود را تقویت می‌کند و از سوی دیگر، می‌تواند در بلندمدت بر تحلیل‌نخبگان آمریکایی نسبت به ریشه‌های بحران‌های منطقه‌ای اثرگذار باشد؛ تحلیلی که در صورت تثبیت، بسترهای تازه‌ای برای تعامل و کاهش تنش فراهم خواهد ساخت. بخش مهم دیگر سخنان رئیس‌جمهوری، اعلام آمادگی ایران برای انسرگیری همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود. او با اشاره به عوامل ایجاد بی‌اعتمادی، تأکید کرد که ایران در گفت‌وگو را نبسته است. این سخنان در زمانی مطرح می‌شود که برخی بازیگران داخلی و خارجی تلاش دارند از طریق طرح مباحثی همچون راهبرد «ابهام‌هسته‌ای» یا تفسیر افراطی از مصوبه مجلس، تصویر تقابلی از سیاست هسته‌ای ایران ارائه دهند. نکته قابل توجه دیگر اشاره صریح پزشکیان به امکان سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها در ایران بود؛ آن‌هم با استناد به مشورت با رهبری. حتی اگر در عمل تحقق این امر با موانعی همراه باشد، بیان آن می‌تواند فضای روانی بازار، نگاه سرمایه‌گذاران و حتی رویکرد کشورهای ثالث را متاثر سازد. این مصاحبه، به درستی تلاش کرد به‌جای دیپلماسی واکنشی، زبان ابتکار و اعتمادسازی را به‌کار گیرد؛ آن‌هم در یکی از حساس‌ترین بزنگاه‌های سیاست خارجی ایران.

دو مخاطب اصلی پیام پزشکیان در آمریکا



حیدرعلی مسعودی
استاد روابط
بین‌الملل دانشگاه

گفت‌وگوی مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران با چهره رسانه‌ای محافظه‌کار آمریکایی از دو منظر بستر زمانی و بستر محتوایی قابل بررسی است؛ از منظر زمانی، انجام و انتشار این مصاحبه دقیقاً در مقطعی صورت گرفت که همزمان با سفر بنیامین نتانیاھو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به واشنگتن و دیدار او با دونالد ترامپ پس از حمله اسرائیل به خاک ایران بود. چنین تقارنی نمی‌تواند تصادفی تلقی شود و به نظر می‌رسد هدف اصلی این گفت‌وگو، تلاش ایران برای بهره‌گیری از فشار بدنه اجتماعی ضدجنگ در میان حامیان ترامپ به‌منظور تجدیدنظر در همراهی ترامپ با سیاست‌های ضدایرانی نتانیاھو باشد. در بستر محتوایی نیز چند نکته برجسته قابل تحلیل است.

در غیاب روابط دیپلماتیک رسمی میان تهران و واشنگتن، دولت آقای پزشکیان کوشیده است از ظرفیت یک روزنه رسانه‌ای پرمخاطب مانند تاکر کارلسون بهره‌گیرد تا دیپلماسی عمومی ایران را فعال سازد. این تلاش بویژه در جهت ایجاد ارتباط با بدنه اجتماعی ضدجنگ حامی ترامپ و حتی برخی از نخبگان محافظه‌کار نزدیک به او صورت گرفته است.

از این منظر، گفت‌وگو را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول، بدنه اجتماعی ضدجنگ طرفدار ترامپ است که همواره نسبت به درگیری‌های بی‌پایان در خاورمیانه و گسترش عملیات نظامی آمریکا در خارج از مرزها حساسیت دارد؛ پیامی که پزشکیان به این بخش از جامعه انتقال می‌دهد روشن است: نتانیاھو در رقبا و دشمنان خود استفاده می‌کنند.

مصاحبه مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران با تاکر کارلسون، روزنامه‌نگار آمریکایی و چهره‌ای نزدیک به جریان ترامپیسم، گامی هوشمندانه در مسیر دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود؛ بویژه در شرایطی که منطقه هنوز در التهاب پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران به سرمی برد و سایه تهدید نظامی مجدد، همچنان بر فضای منطقه سنگینی می‌کند. اهمیت این مصاحبه نه فقط در صراحت مواضع پزشکیان بلکه در انتخاب بستر انتشار آن است. گفت‌وگو با یکی از چهره‌های رسانه‌ای مؤثر در جناح محافظه‌کار ایالات متحده، بویژه مخاطبان ترامپی، می‌تواند نوعی پیام مستقیم به نخبگان تصمیم‌ساز آمریکایی تلقی شود. رئیس‌جمهوری ایران در این گفت‌وگو با تأکید بر اینکه ایران آغازگر جنگ نبوده و خواهان ادامه آن نیست، تصریح کرد که رژیم صهیونیستی عملاً روند مذاکرات را با حملات خود متوقف کرده و اعتماد متقابل را درهم شکسته



مصطفی زهرانی
استاد داشکده
روابط بین‌الملل

تبیین عقلانی گشایش مشروط در حل مسائل ایران و آمریکا

مصاحبه رئیس‌جمهوری ایران با روزنامه‌نگار آمریکایی از منظر انتقال روایت‌های رسمی جمهوری اسلامی به افکار عمومی غربی اهمیت مضاعفی دارد. این گفت‌وگو در شرایطی صورت گرفت که هنوز بازتاب جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی زنده است و شائبه احتمال درگیری مجدد، تحلیل‌ها را به سوی آینده‌ای ناپایدار سوق داده است. هرچند گفت‌وگو کوتاه بود اما نکات راهبردی مطرح شده در آن، بازتاب دهنده رویکردی تازه در نحوه مواجهه ایران با رسانه‌های جهانی است. پزشکیان در پاسخ به پرسش درباره ادعای تلاش برای ترور او با تبیینی سنجیده و معطوف به بافت فرهنگی-سیاسی منطقه، ضمن جدا کردن موضع رسمی دولت از اظهارات علما، به نقش دین در حوزه عمومی در کشورهای اسلامی اشاره کرد.

این پاسخ، همزمان از سوء برداشت‌های احتمالی در رسانه‌های غربی جلوگیری کرد و هم خط تمایز روشنی میان ساختار حکمرانی ایران و رفتار برخی جریان‌های داخلی ترسیم نمود. در بخش دیگری از مصاحبه، پزشکیان به پرسش درباره روابط اقتصادی ایران و آمریکا پاسخ داد. او ضمن اشاره به گفت‌وگوهایش با رهبری تصریح کرد که معانعی از جانب عالی‌ترین سطح نظام برای همکاری اقتصادی با ایالات متحده وجود ندارد، به شرط آنکه بستر این همکاری‌ها بر مبنای احترام و رفع تحریم‌ها فراهم شود. این موضع، در فضای پس از جنگ و تنش‌های فراینده، پیامی صریح به واشنگتن است: رفتار مسدودکننده را نبسته است، مشروط بر آنکه اعتمادسازی واقعی صورت گیرد.

در بخش مهمی از مصاحبه با تاکر کارلسون، مسعود پزشکیان به پرسشی کلیدی درباره امکان همکاری اقتصادی ایران و آمریکا پاسخ داد؛ پاسخی که از نظر محتوایی حامل پیام صریح و سطح بالای نظام جمهوری اسلامی ایران به ساختار قدرت در ایالات متحده بود. پزشکیان با اشاره به مشورت‌های انجام شده با مقام معظم رهبری تصریح کرد که از نظر ساختار سیاسی

سیاست خارجی

دیپلماسی چندجانبه ایران در حاشیه هفدهمین نشست سران بریکس در ریودوژانیرو با دیدارهای پرشمار وزیر امور خارجه ایران با مقام‌های حاضر در این نشست ادامه یافت. سیدعباس عراقی، وزیر امور خارجه طی دو روز گذشته با برخی از مقامات عالی‌رتبه کشورهای شرکت‌کننده دیدار و گفت‌وگو کرد؛ دیدارهایی که در متن تنش‌های منطقه‌ای و پس‌زمینه جنگ اخیر رژیم صهیونیستی علیه ایران، معنای ویژه‌ای یافته‌اند. عراقچی در یکی از مهم‌ترین ملاقات‌ها، با سیریل رامافوزا، رئیس‌جمهوری آفریقای جنوبی دیدار کرد؛ دیداری که با توجه به عضویت این کشور در بریکس و جایگاه تاریخی‌اش در

حال تخریب دیپلماسی آمریکایی و سوق دادن این کشور به سوی درگیری‌های فرسایشی است؛ درگیری‌هایی که نه به سود آمریکا، بلکه در راستای منافع سیاسی اسرائیل است. بنابراین، اگر ترامپ مایل است حمایت این بدنه اجتماعی را حفظ کند، باید منافع ملی آمریکا را در اولویت قرار دهد، نه منافع تل‌آویو را. مخاطب دوم گفت‌وگو شخص ترامپ است. پیام‌های پزشکیان برای او در چند محور قابل احصاست؛

۱- تأکید بر باز بودن باب مذاکره با آمریکا، مشروط بر دریافت تضمین برای عدم تکرار تجاوز. ۲- هشدار نسبت به افتادن دوباره ترامپ در دام جنگ‌طلبانه نتانیاھو. ۳- ضرورت تفکیک میان اولویت‌ها و منافع امنیتی ایالات متحده و اسرائیل در قبال ایران. ۴- تلاش برای فروکشستن از جو منفی ناشی از تهدید پیشین ترامپ به ترور مقامات ایران. ۵- تحریک روحیه معامله‌گری ترامپ از طریق تأکید بر امکان سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها در ایران. ۶- یادآوری پتانسیل منحصربه‌فرد ترامپ در شکل‌دهی به جنگ یا صلح در منطقه خاورمیانه.

در مجموع، به نظری می‌رسد دولت پزشکیان، با اعلام آمادگی کامل

نظامی در برابر هرگونه تهدید، تلاش دارد از تمام ابزارهای دیپلماسی

عمومی برای ایجاد فشار اجتماعی و اقعان نخبگانی استفاده کند؛

فشاری که بتواند با موجب فاصله‌گذاری میان ترامپ و نتانیاھو شود،

یا حداقل در همپوشانی کامل منافع امنیتی آمریکا و اسرائیل درباره

ایران تردید ایجاد کند.

موفقیت یا ناکامی این سیاست، به عوامل متعددی بستگی دارد؛ از

جمله مداوم این رویکرد از سوی ایران، هوشمندی در بهره‌برداری از

فرصت‌های رسانه‌ای، و در نهایت ارزیابی دقیق ترامپ و نتانیاھو از

هزینه‌ها و منافع دو مسیر متفاوت؛ تقابل یا تعامل با ایران.

است. او همچنین برای اولین بار در چنین سطحی از آمادگی ایران برای بازگشت به مذاکرات و حتی همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سخن گفت. در این مصاحبه، پزشکیان بر موانعی مانند تحریم‌های اقتصادی، فقدان اعتماد متقابل و نقش مخرب اسرائیل در سیاست‌های منطقه‌ای تأکید کرد و در عین حال، رویکردی عمل‌گرایانه را برای کاهش تنش‌ها پیشنهاد داد؛ مهار نتانیاھو به عنوان گامی ضروری از سوی دولت آمریکا برای بازگشت به ثبات. چنین مواضعی نه تنها نمایانگر استعمار سیاست مذاکره‌محور دولت سیزدهم که نشانه‌ای از بازتعریف زبان دیپلماسی ایران برای مخاطب جهانی است؛ زبانی که این بار با ابزارهای رسانه‌ای بین‌المللی و بر بستر دیپلماسی عمومی، روایت ایران را بدون واسطه به مخاطب غربی منتقل می‌کند.

در مجموع، این مصاحبه بیش از آنکه یک گفت‌وگوی صرف باشد، پیامی راهبردی است: تهران نه تنها هنوز درهای دیپلماسی را نبسته است بلکه برای مدیریت تنش‌ها، از ابزارهای متنوع‌تری از گذشته بهره‌می‌گیرد؛ از جمله گفت‌وگو با مخاطبانی که پیش‌تر به دلایل سیاسی، خارج از دایره هدفگذاری دیپلماسی ایران محسوب می‌شدند.

تبیین عقلانی گشایش مشروط در حل مسائل ایران و آمریکا

جمهوری اسلامی، در اصل همکاری اقتصادی با آمریکا منعی وجود ندارد، مشروط بر آنکه بستر این همکاری، بر پایه احترام متقابل و رفع واقعی تحریم‌ها فراهم شود. این نکته، از منظر تحلیل‌گران سیاست خارجی حائز اهمیت دوچندان است؛ چراکه طی سال‌های گذشته، یکی از اصلی‌ترین موانع در مسیر هرگونه تعامل اقتصادی بین تهران و واشنگتن، وجود ساختار پیچیده‌ای از تحریم‌ها بوده که نه تنها مبادلات بانکی و سرمایه‌گذاری خارجی را مسدود کرده، بلکه از نظر روانی نیز فضایی ناامنی را برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی ایجاد کرده است. اکنون، رئیس‌جمهوری ایران صراحتاً تأکید می‌کند که آنچه مانع تعامل اقتصادی است، نه اراده سیاسی تهران، بلکه استمرار نظام تحریم‌هاست؛ نظامی که برخلاف ادعای واشنگتن، نه ابزار فشار هدفمند، بلکه سازوکاری فلج‌کننده برای اقتصاد ملی و حتی رفاه عمومی مردم ایران بوده است.

در این چهارچوب، پیام پزشکیان را باید در امتداد تلاش‌های دیپلماسی عمومی تهران برای بازتعریف روایت غالب در رسانه‌های غربی دانست؛ روایتی که طی دهه گذشته همواره ایران را به عنوان بازیگر سرسخت و غیرقابل‌اعتطاف معرفی کرده است. اکنون، در گوران پساکنگ و در گفت‌وگویی با رسانه‌ای نزدیک به جریان ترامپی، ایران در حال انتقال این پیام است که «تعامل ممکن است، اگر آمریکا اراده تغییر نشان دهد.» به‌ویژه آنکه پزشکیان در ادامه این پاسخ، برآمادگی ایران برای سرمایه‌پذیری خارجی نیز اشاره کرد؛ نکته‌ای که اگر با رفع تحریم‌ها و تضمین‌های حقوقی همراه شود، می‌تواند افق‌های تازه‌ای برای بازسازی اقتصاد ایران در دوران پساتحریم بگشاید. از این منظر، این مصاحبه نه تنها ناظر به بازتاب جنگ و پیامدهای آن، بلکه نشانه‌ای از تلاش ایران برای عبور از وضعیت تقابلی، با تکیه بر عقلانیت اقتصادی و ابتکار دیپلماتیک بود.

در مجموع، این مصاحبه گواه‌وی هدفمند، نشان‌دهنده عزم دولت

جدید برای بهره‌گیری هوشمندانه از دیپلماسی رسانه‌ای است. گفت‌وگو

با رسانه‌ای نزدیک به جناح ترامپ، انتخابی تاکتیکی برای رساندن پیام

ایران به لبه‌ای از ساختار قدرت آمریکاست که می‌تواند در شرایط کنونی

در روند مدیریت و کاهش بحران اثرگذار باشد.

دیدارهای عراقچی در حاشیه نشست «بریکس»



نخواهد ماند. او تأکید کرد: «در برابر هر تجاوزی، با تمام توان از خود دفاع خواهیم کرد.» دیدار و گفت‌وگو با «آنتونیو گوتیش، دبیر کل سازمان ملل»، «لوتیئیس آرسه کاتاکورا» رئیس‌جمهوری بولیوی و همچنین «ماچائوشو»، معاون وزیر امور خارجه چین از دیگر برنامه‌های دیپلماتیک وزیر خارجه در حاشیه نشست «بریکس» بود.

تحولات جنوب جهانی از منظر دیپلماسی حائز اهمیت تلقی می‌شود. او همچنین با انور ابراهیم نخست‌وزیر مالزی نیز درباره مناسبات دوجانبه و تحولات منطقه‌ای گفت‌وگو کرد.

وزیر خارجه در ادامه برنامه‌های خود همچنین با «جیراپورن سینگهوپرای»، وزیر مشاور در دفتر نخست‌وزیر تایلند نیز دیدار داشت. علاوه بر این، وزیر امور خارجه ایران طی دو روز اخیر با نخست‌وزیران مصر و چین و همچنین وزرای خارجه برزیل، ترکیه، هند و روسیه گفت‌وگوهایی جداگانه انجام داد؛ گفت‌وگوهایی که هم‌زمانی آنها با نشست بریکس، به معنای تقویت پیوندهای چندجانبه تهران در جهانی است که به تدریج از قطب‌بندی‌های سنتی فاصله می‌گیرد.

عراقچی پیشتر در سخنان خود در نشست عمومی سران نیز هشدار داده بود که تبعات جنگ تجاوزکارانه اسرائیل تنها به یک کشور محدود